

دولت  
کارفرما  
کارگر



تأمین اجتماعی پیشرو؛  
میعادگاه مقدس سه جانبه گرایی

به مناسبت برگزاری همایش  
"تبیین راهبردهای بازنگری قانون تأمین اجتماعی"

محسن خلیلی - آذر ماه ۱۳۹۰

---

تامین اجتماعی پیشرو؛ میعادگاه مقدس سه جانبه کرایه

---

محسن خلیلی

به مناسبت برگزاری همایش  
"تبیین راهبردهای بازنگری قانون تامین اجتماعی"

---

تهران - آذر ماه ۱۳۹۰

---

## بسم خدا

برگزاری همایش " تبیین راهبردهای بازنگری قانون تامین اجتماعی " از سوی نمایندگان تشکل های کارفرمایی، کارگری و بازنشستگان، اقدام ارزنده ای در دستیابی به اصول و اهداف بزرگی همچون: دسترسی برابر به بهداشت و سلامتی، داشتن فرصت برابر در استفاده از امکانات درمانی و آزادی انتخاب نوع زندگی در دوران بازنشستگی می باشد. اینها اهداف و اصولی نیستند که منحصر به یک گروه خاص یا یک قشر معین جامعه باشند. بلکه، اینها اهداف و اصول مشترک برای تامین زندگی بهتر و داشتن امید به آینده روشن تر تک تک آحاد جامعه چه در طبقه کارگر، چه کارفرما و چه کارکنان دولت می باشد. به سخن دیگر؛ این اصول، اصول انسانی هستند. ما هر که باشیم - پیر، جوان، غنی، فقیر، زن، مرد، با هر زبان و مسلک، اهل هر شهر، انسان عادی، معلول و غیره- اینها اصولی هستند که ما به عنوان شهروندان کشورمان ایران، بایستی گرامی بداریم و آنها را در جای جای کشور اجراء کنیم.

می خواهم ابراز خوشحالی خودم را به برگزارکنندگان، دست اندرکاران و شرکت کنندگان محترم در این همایش اعلام کنم و بسیار خوشوقت هستم که موضوع، اهداف و محورهای این نشست، رویکردی را که در ابتدای سخن عنوان نمودم، تعقیب می نماید و آن را ترویج و ترغیب می کند که بسیار ارزشمند و ستودنی است و من به عنوان یکی از یاران و همراهان شما عزیزان، این اقدام را ارج می نهم و به دست اندرکاران برگزاری این همایش درود می فرستم.

اینجانب به داشتن نظام تامین اجتماعی پیشرو در جهت کاهش دغدغه های درمانی، بهداشتی و بازنشستگی همگان به ویژه کارگران عزیز که قشر زحمتکش جامعه هستند، اعتقاد راسخ دارم و به تجربه دریافته ام که تامین آینده یک کارگر چقدر می تواند در بهره وری و توسعه بنگاه های اقتصادی موثر واقع شود. از همین رو، عبارت هایی همچون؛ دستیابی به زندگی متعالی، رفاه اجتماعی گسترده و جستجوی خوشبختی برای خود و آیندگان در نزد من از جایگاه مقدسی برخوردار هستند. با این

واژه‌هاست که سفر تمام نشدنی ما، یعنی کل ملت ایران در قالب ارکان سه جانبه گرای اعم از کارگر، کارفرما و دولت آغاز شده و می بایست ادامه داشته باشد تا اتحاد، همسویی و پیوستگی کامل تری در باور به سه جانبه گرای در جهت ایجاد رفاه اجتماعی بیشتر شکل گیرد. بایستی مواظب همدیگر باشیم. فرصت و رفاه را برای همه ملت فراهم کنیم. همواره معنی زندگی، آزادی، و جستجوی خوشبختی را گسترش دهیم و از این طریق ایران را به پیش ببریم. این کاریست که امروز با هم آن را انجام می‌دهیم و فردا هم انجام خواهیم داد و این یکی از باورها، رویکردها و نگاه من به توسعه است. هم توسعه انسانی و هم توسعه اقتصادی که بی شک این دو ملازم و مکمل یکدیگر هستند.

کارگران، کارفرمایان و دولت در قالب نظام سه جانبه گرای می بایست یک ساختار تامین اجتماعی پیشرو و موثر را در بازرگری راهبرهای تامین اجتماعی پیش بینی نمایند و مشارکت بنگاه های اقتصادی و بخش خصوصی را در ایجاد، توسعه و مدیریت تامین اجتماعی را بیشتر فراهم کنند تا این رکن از ارکان سه جانبه گرای، نقش پر رنگ تری را در حمایت از جوامع و رکن سوم سه جانبه گرای یعنی کارگران عهده دار باشد تا از این طریق عشق غیر مشروط خود را به کارگران و دولت انتقال نماید.

ما جهان سومی ها که جهان جنوب هم گفته می شود، به سبب دارا بودن منابع خدادادی، توسط جهان شمال و توسعه یافته با تهدیدات زیاد و در عین حال پیچیده ای روبرو هستیم. در شرایط امروز جهانی، چالش های پیش روی ما ممکن است متفاوت با گذشته و نوین باشند و به همان ترتیب هم، ابزارهایی که ما با آنها به رویارویی با آن چالش ها می رویم ممکن است نو و متفاوت باشند، اما نباید فراموش کنیم ارزش هایی که موفقیت ما به آنها وابسته است، یعنی سخت کوشی و درستکاری، شهامت و انصاف، بردباری و کنجکاوی، وفاداری و میهن دوستی اینها چیزهای کهنسالی هستند و ریشه در اعماق فرهنگ و باورهای ما دارند، و نکته مهم تر که این مولفه ها حقیقت دارند و در وجود ما زندگی می کنند. آنها نیروهای آرام پیشرفت در سراسر تاریخ ما بوده اند. پس آنچه که مورد نیاز است بازگشت به این حقایق است. آنچه که اکنون از ما انتظار می رود یک عصر تازه مسئولیت پذیری در

قالب پابندی به اصل سه جانبه گرایی و داشتن یک نظام تامین اجتماعی پیشرو که تمام دل نگرانی های مردم کشورمان به ویژه کارگران را کاهش دهد. فکر می کنم بایستی این نکته را تایید کنیم که هر کدام از ما علاوه بر وظایفی که نسبت به خویش داریم، وظایف دیگری در قبال هممنوعان، به کشور و حتی به دنیا داریم که ما آن وظایف را نه تنها با اکراه نمی پذیریم، بلکه با خوشوقتی در آنها چنگ می زنیم. با این آگاهی استوار و عمیق که هیچ چیز رضایت بخش تر از این برای روح انسانی ما نیست که تمامی وجودمان را وقف وظایف دشوار کنیم تا جامعه و مردمان آن به آرامش برسند و این بهایی است که برای شهروند و انسان بودن خودمان باید پرداخت نماییم و البته انجام وظایف حاوی نویدی است برای بهتر زیستن خود و دیگران که در آن نهفته است.

من اطمینان دارم با باور به این رویکرد، یعنی نهادینه کردن سه جانبه گرایی و دستیابی به یک نظام تامین اجتماعی پیشرو که همه در درون آن احساس آرامش کنند، در برابر سختی های مشترک پیروز خواهیم شد و در برابر هر طوفانی که برخیزد، پایداری خواهیم نمود. بگذارید آیندگان و فرزندان نسل های آتی، بگویند که ما به سختی ها پشت نکردیم و تزلزل به خود راه ندادیم و با چشمان دوخته شده بر افق و با شمول الطاف خداوندی به ما، به پیش رفتیم و جامعه و کشورمان را ساختیم و درست و سالم به نسل های آینده تحویل دادیم.

نکته دیگری که علاقه مند هستیم در اینجا به وضوح و با صراحت محکم بیان نمایم، این است که؛ ما ارکان سه جانبه گرایی یعنی کارگر، کارفرما و دولت می بایست در جستجوی راه تازه ای برای تامین خواسته ها و نیازهای بهداشتی و درمانی خود- باز تکرار می کنم- به ویژه کارگران بر اساس منافع و احترام متقابل باشیم. به آن گروه از افراد که در جاهای مختلف می کوشند تا بذر ناملایمتی، گسستگی و عدم همراهی و همکاری را در بین ارکان سه جانبه گرایی بپاشند، می بایست گوشزد شود که؛ بدانید مردم و جامعه نسبت به شما در ارتباط با آنچه که می توانید بسازید به داوری خواهند نشست نه آنچه که نابود می کنید. به آنهایی که با توسل به روش های غیر معمول اجتماعی به دگر اندیشان فرصت ارائه

راه های جدید را نمی دهند باید بگوییم که؛ بدانید که شما در راه غلط گام می زنید و ضعیف شدن یکی از ارکان سه جانبه گرایی به ضعیف شدن بقیه خواهد انجامید. برای نمونه، به رویدادی که در کشور امریکا افتاده است، اشاره می نمایم؛ اتفاقات شبیه وال استریت و قیام طبقه متوسط در آمریکا و عنوان طغیان های ۹۹ درصد علیه ۱ درصد و بروز بحران های مالی و اشارات صریح به مسئولیت اجتماعی شرکت ها این واقعیت را بر جهانیان آشکار می سازد که توجه عمیق به رفاه عامه و به ویژه عنایت به تأمین اجتماعی آن چنان یکپارچگی و همدلی را بوجود می آورد که اولاً مانع بروز بحران های جهانی موجود می شود و در ثانی بهنگام بروز این گونه بحران ها کارگر و کارفرما همدل و هم جهت مشترکاً در فکر رفع بحران و حل مشکلات و رسیدن به نتایج ثمربخش و کارساز خواهد شد.

به کارگران عزیز که قشر آسیب پذیر جامعه هستند باید بگوییم که ما به شما قول می دهیم که در کنار شما هستیم تا کشتزارهای مان بارور شوند تا با تامین آتیه و رفع مشکلات ایمنی، بهداشتی و درمانی، توسعه انسانی و اقتصادی در کشورمان به وقوع پیوندد. به بنگاه ها، شرکت ها و فعالان اقتصادی که از رفاه نسبی برخوردار هستند، باید بگوییم که، زمان آن رسیده است که در برابر ناملایمی ها و سختی های بیرون از خودمان واکنش بیشتری نشان دهیم و به این موضوع نگاه مجددی داشته باشیم. زیرا شرایط تغییر یافته است و ما نیز باید همگام با آن تغییر پیدا کنیم تا هم خود، هم بنگاه ها و هم همکاران مان بقاء داشته باشند. بارها در محافل مختلف از صمیم قلب عنوان کرده ام که برآیند نیروهای متضاد بسیار قلیل و بی حاصل است. اگر در خصوص بهبود تامین اجتماعی همدل نباشیم و گام های مشترک بر نداریم، میزان ضربه پذیری هم کارگر و هم کارفرما افزایش می یابد و مشکلات گریبانگیر همه ما می شود. این سخن معنای مشخص و قابل درکی دارد و موضوع زیاد پیچیده ای نیست. اما آنچه ناباوران از فهمش عاجزند این است که زمین در زیر پای شان جا به جا شده است و نمی خواهند بدانند که استدلال های کهنه ای که برای مدتی چنین دراز ما را به خود مشغول داشته است، دیگر کارآیی ندارند. پرسشی که امروز مطرح می کنیم میزان و چگونگی مشارکت

ذی‌نفعان در اداره نظام تامین اجتماعی نیست، بلکه این است که آیا این نظام و سازمان با توجه به انتظاراتی که از وی می‌رود، کارآیی دارد. آیا به خانواده‌ها برای داشتن یک شرایط درمانی رضایت‌بخش، برای برخورداری از مراقبت بهداشتی که توانایی‌اش را داشته باشند و یا برای یک بازنشستگی توأم با منزلت کمک می‌کند. هر جا که پاسخ مثبت باشد، بایستی قصد کنیم و به جلو حرکت کنیم. هر جا که پاسخ منفی باشد، برنامه‌ها متوقف شود. راهکارها و برنامه‌های جدید تدوین شود، عادات بد اصلاح شود، برای انجام کارهای مرتبط با این مقوله، مسئول تعیین شود و در صورت ناکارآمدی بازخواست شوند. تنها در این زمان است که ما می‌توانیم اعتماد حیاتی میان خودمان در بین ارکان سه‌جانبه گرایی را توسعه و احیا کنیم.

اگر بخواهم عرایض ام را جمع بندی نمایم، این گونه خواهد بود که: قبل از تدوین راهبردهای بازنگری قانون تامین اجتماعی، اولاً نیازمند بازنگری در رویکردها، باورها و ذهنیات خود نسبت به مقوله تامین اجتماعی و تاثیر آن در روند شکل‌گیری موفقیت‌بنگاه‌های اقتصادی و آسایش و آرامش خاطر افراد به عنوان شرکای کاری هستیم، ثانیاً، در صورتی که بقاء و ادامه فعالیت‌بنگاه‌ها استمرار نداشته باشد، در آن صورت همه ارکان سه‌جانبه گرایی و کل کشور آسیب خواهد دید که شاید تا مدت‌ها جبران آن امکان‌پذیر نباشد. ثالثاً، بازگشت به اخلاقیات و اصول رفتاری در فعالیت‌های اقتصادی و پایبندی به فرهنگ اصیل نودوستی توسط ارکان سه‌جانبه گرایی می‌تواند راه را برای تغییرات جدید و بهبود شرایط بهتر تامین اجتماعی باز نماید.